

**فضای بازی کودکان**

با گسترش روند شهرنشینی در سطح جهان و تولد کلان شهرها، تماس و آشنایی کودکان با طبیعت و محیط‌های طبیعی کاهش یافته و فرصت بازی کودکان و گذران اوقات فراغت آنان محدود به فضای شهری است.علاوه بر گسترش فیزیکی شهرها که منجر به دوری از طبیعت می‌گردد، نگرانی والدین از تأمین امنیت کافی، شرکت دادن کودکان در کلاس‌های آموزشی فوق برنامه، بازی‌های رایانه ای و رسانه تلویزیون نیز در کاهش رابطه کودکان شهری امروز با محیط طبیعی نقش داشته‌اند.

روان شناسان معتقدند در سنین کودکی، یادگیری از طریق بازی آزاد انجام می‌گیرد. برای بازی آزاد تعریف دقیق و مشخصی وجود ندارد، اما از ویژگی‌های آن می‌توان به عدم برنامه ریزی، غیر قابل پیش بینی بودن، اختیاری بودن و لذت بخش بودن اشاره کرد. برای مقابله با کمبود فضاهای بازی در شهرها در برخی کشورها راهبردهای خاصی در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال بر احیاء ارزش و مفهوم محله، آگاه سازی شهروندان از اهمیت فضاهای بازی کودکان، ایجاد فضاهای تفریحی چند منظوره و استفاده از ساکنان محله برای اداره و کنترل این فضاها تاکید می‌شود.

از سوی دیگر شهرداری‌ها نیز در برنامه‌های اجرایی خود برخی نکات را در نظر می‌گیرند. مکان یابی پارک و فضای بازی برای کودکان در نزدیکی محل سکونت آن‌ها با استفاده بهینه از عناصر طبیعی موجود مانند جنگل، رودخانه یا درختان کهن سال، ایمن سازی مسیر تردد کودکان و تاسیسات موجود در فضای بازی از جمله این نکات هستند. توجه همزمان و کافی به همه این جوانب منجر به پیدایش محله ای سالم و پایدار خواهد شد.

در آلمان در این زمینه تجربه جالب توجهی وجود دارد. در برخی شهرها فضایی عمومی در نظر گرفته شده است که هدف از آن آرام سازی ترافیک و تغییر و تبدیل کاربری خیابان محلی به دسترسی محلی است. به این فضا، وونرف [۵] یا «خیابان زندگی» می گویند. بدین ترتیب فضای شهری ایجاد می‌شود که برای انواع فعالیت‌های تجاری و اجتماعی و به ویژه بازی کودکان مناسب است. این فضاها اغلب به صورت خیابان باریک درختکاری شده ای هستند که سرعت وسایل نقلیه در آن حداکثر به ۱۶ کیلومتر بر ساعت (۱۰ مایل بر ساعت) می‌رسد.

**زمین بازی کودکان**

در جوامع پیش از صنعتی، آموزش کودکان عمدتاً بر عهده نهادهای مذهبی و رهبران دینی قرار داشت و در این میان اهمیت پرورش روحی و عاطفی آنان همواره ناشناخته باقی مانده بود؛ هرچند به تدریج نگرش‌های جدیدی درباره آموزش آنان و لزوم فراگیری برخی آداب و مهارت‌ها به آنان شکل می‌گرفت. در این سال‌ها اکثریت جمعیت ساکن روستاها بودند و کودکان در دل طبیعت و در تماس مستقیم با آن به تفریح و تجربه کردن می‌پرداختند و لزومی برای طراحی فضایی برای بازی آنان احساس نمی‌شد.

در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی و در سال ۱۸۳۷ نخستین کودکستان توسط فردریک فروبل در شهر بلانکنبرگ آلمان با نام «باغ کودکان»[۶] تأسیس گردید. فروبل معتقد بود باغ کودکان باید نمونه کوچکی از جهان واقعی،‌ با همه ویژگی‌های مثبت و منفی آن باشد. ایده تأسیس باغ کودکان به سرعت در همه آلمان و سپس اروپا گسترش یافت. دیوید شاو اسکاتلندی نخستین دانشمندی بود که اهمیت در نظر گرفتن فضایی برای بازی کودکان را بیان نمود. شاو می‌گوید: زمین بازی کودکان بهشت است.

در سال ۱۸۵۵ نخستین باغ کودکان در شهر واترتون در ایالت ویسکانسین توسط بانوی مهاجر آلمانی، کارل شورتز تأسیس گردید. اما به تدریج شکل و محتوای کودکستان‌های امریکا تحول یافت. کودکستان‌های مدرن امروزی در سال‌های دهه ۱۹۳۰ در امریکا بنیان گذاشته شده‌اند. پس از آن و به تدریج فضاهای تفریحی و سرگرمی ویژه کودکان نیز طراحی و اجرا شدند.

اولین زمین بازی از پیش طراحی شده در سال ۱۸۶۲ و در حومه بستون در امریکا تأسیس شد. در این فضا،‌ وسایل بازی کودکان از لوله‌های گالوانیزه ای ساخته شده بودند که کارایی چندانی نیز نداشتند. در انگلستان و در منچستر در سال ۱۹۱۱ زمین‌های بازی کودکان از سوی خود مردم به وجود آمده و سپس با قواعد و معیارهای شهرداری تطبیق یافتند. در پارک‌های اولیه منچستر زمین‌های بازی پسران و دختران جدا از یکدیگر بودند، زیرا تصور می‌شد در زمین‌های بازی مختلط، پسران فرصت بازی را از دختران می‌گیرند.

در دهه ۱۹۲۰ فضاهایی از پارک‌های عمومی به بازی کودکان اختصاص یافت. در سال ۱۹۳۱، سورانسون، طراح دانمارکی پیشنهاد داد تا فضایی برای بازی کودکان با وسایل و مواد به ظاهر بی ارزش در نظر گرفته شود. این ایده در دهه ۱۹۴۰ منجر به شکل گیری «زمین‌های بازی ماجراجویی»  گشت که این ایده در ۱۹۴۸ در کامبرول لندن اجرا گردید. با پیشرفت فناوری در قرن بیستم امکان ساخت فضاهایی برای مخاطبان در سنین مختلف پدید آمد. در بسیاری شهرهای بزرگ شهرک‌های ویژه بازی و سرگرمی کودکان به وجود آمد. به عنوان مثال در قاهره، نیویورک، هوستون در تگزاس و همچنین پاریس.

در ایران و در سال ۱۲۹۸ شمسی در تهران و اصفهان کودکستان‌هایی تأسیس شد که عمدتاً از سوی مبلغان مذهبی اروپایی اداره می‌شدند. اولین کودکستان ایرانی در سال ۱۳۰۳ در تبریز و توسط جبار باغچه بان ایجاد شد. چندی بعد قمر دولت آبادی نیز در اصفهان چنین موسسه ای را برقرار نمود. اولین آیین نامه کودکستان‌ها در ایران در سال ۱۳۳۴ و در وزارت فرهنگ نوشته شد. در سال ۱۳۴۱ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تأسیس گردید. این کانون کودکان ۶ تا ۱۸ ساله را مخاطب خود قرار می‌دهد.

اما به طور کلی باید در نظر داشت که بازی کودکان در یک محیط طبیعی کاملاً با بازی در یک محیط انسان ساخت متفاوت است. محیط طبیعی برای کودک تجربه حسی خاصی دارد. کودک در محیط طبیعی رها است. آزاد است بدود، فریاد بزند و ریخت و پاش کند. مسلم است که برای طراحی و برنامه ریزی یک فضای بازی برای کودکان، پیروی از فرهنگ حاکم در جامعه ضروری است. فرهنگ اجتماع همواره بر همه جوانب زندگی افراد آن جامعه و به تبع آن بر فضاهای زندگی آن‌ها مؤثر خواهد بود. منظور از فرهنگ جامعه، تنها فرهنگ غالب و کلی مردم نیست، بلکه در بسیاری موارد، توجه ویژه به خرده فرهنگ‌ها و اقلیت‌ها تضمین کننده موفقیت یک فضای شهری می‌باشد.

تنها با توجه به این نکات است که از یک فضای طراحی شده شهری می‌توان انتظار داشت به صورت ایده آل عمل نماید. برخی دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند توجه به فرهنگ در طراحی و برنامه ریزی، در حقیقت همان توجه به فرهنگ محلی زنان و کودکان است. زیرا در بیشتر جوامع این مادران هستند که تصمیم می‌گیرند خانواده و کودکانشان به چه مراکزی برای گذران اوقات فراغت بروند.

**فضاهای بازی کودکان در ایران**

در شهرسازی سنتی ایران فضایی مختص کودکان در شهرها پیش بینی نشده بود، کودکان در فضای خانه خود و محله می‌توانستند با همسالان خود بازی کنند و حتی در تماس مستقیم با طبیعت به تجربه‌هایی نو دست پیدا کنند. اما با ورود اندیشه تجدد گرایانه و از بین رفتن بافت سنتی شهرها و به ویژه پیدایش ساختمان‌های بلندمرتبه و محله‌های پرتراکم در شهرهای بزرگ کشور، کودکان و نیازهای مخصوص آنان مورد غفلت شهرسازان و مدیران شهری واقع شد؛ به طوری که با وجود نفوذ عقاید و تفکرات شهرسازی نوین در اندیشه‌های برنامه ریزان و مسئولان شهری، اهمیت و جایگاه فضاهای شهری ویژه کودکان، از جمله فضاهای سرگرمی و تفریح آنان، هنوز به حد کافی مورد توجه قرار نگرفته است.

زمین‌های بازی کودکان در ایران معمولاً در چند وسیله ساده بازی مانند الاکلنگ و سرسره و یا زمین‌های بازی خاکی در محله‌ها خلاصه می‌شود. از سوی دیگر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در حقیقت تنها نهاد فعال در زمینه فعالیت‌های فرهنگی و پرورشی مختص کودکان در کشور است. مهد کودک‌ها و کودکستان‌ها نیز نتوانسته‌اند به نقش و جایگاه اصلی خود برسند؛ به طوری که می‌توان گفت مهد کودک‌ها و کودکستان‌های ایران (به ویژه در کلان شهرها) تنها وظیفه نگهداری از کودکان در ساعت‌های کاری والدین آن‌ها را بر عهده گرفته‌اند.

حتی در شهرهایی که طراحی شهری در آنان در حد مقبولی انجام گرفته است نیز جایگاه کودکان مورد بی توجهی باقی مانده است، به طوری که احساس عدم امنیت در فضاهای شهری در نزد کودکان و به تبع آنان در نزد والدین همواره وجود داشته است. این موضوع سبب می‌گردد والدین کودک ترجیح بدهند فرزند آنان در خانه اوقات فراغت خود را بگذراند و فرصت بازی در فضای باز و طبیعی را از دست بدهد. امری که منجر به محرومیت کودک از تجربه‌های نو، آشنایی با همسالان خود و برقراری روابط اجتماعی میان آنان می‌گردد.

شاید بتوان گفت پیش از طراحی و ساخت فضاهای سرگرمی و تفریح کودکان، آماده سازی محله‌های شهری برای زندگی اجتماعی کودکان باید مورد توجه برنامه ریزان باشد. محله‌های شهری نباید محل عبور و مرور ترافیک باشند. کوچه‌های محله تنها باید نقش دسترسی محلی داشته باشند. سرعت وسایل نقلیه حداقل باشد و به لحاظ امنیت و آرامش در سطح مطلوبی قرار بگیرد.

در گام دوم طراحی فضاهای محلی اهمیت دارند. فضاهایی که برای کودکان ملموس باشند. کودک باید بتواند با محله و شهر خود ارتباط برقرار کند و آن را بشناسد. طراحی فضاهای سبز، خیابان‌های زیبا، استفاده از رنگ‌های مناسب در محیط محله و شهر و حتی علائم و نمادهای شهری می‌تواند مورد توجه باشد.

در گام سوم طراحی و اجرای فضاهای شهری مناسب کودکان اهمیت دارد. پارک‌های محله ای، زمین‌های بازی و کتابخانه محله ای از نمونه‌های ساده و مهم چنین فضاهایی هستند. در سطح شهر نیز ایجاد شهربازی، پارک‌های وسیع، اردوگاه‌ها و مانند آن‌ها برای بازی و سرگرمی کودکان و تأسیس موزه‌های ویژه کودکان، نمایشگاه‌ها، سینمای کودک، و مانند آن‌ها برای پرورش کودک دارای اهمیت هستند. در تمامی این فضاها باید اصول مشخصی را لحاظ کرد تا بتوانند در کارکردهای خود موفقیت حاصل کنند. مهم‌ترین این اصول را می‌توان در امنیت، نزدیکی و قرابت با طبیعت، تنوع، آسایش، سکوت و قابلیت نظارت خلاصه نمود.

**جمع بندی**

به طور کلی مشکلات و مسائل مربوط به کودکان را نمی‌توان به طور جداگانه از سایر مسائل اجتماعی و شهری بررسی کرد و برای حل آن‌ها راه حل ارائه داد. در سطح ملی، سیاستگذاری های کلان و جهت گیری عمده برنامه‌های بلند مدت و میان مدت و نیز برنامه‌های کوتاه مدت، باید با در نظر گرفتن نیازها و کمبودهای کودکان انجام شوند. قوانین کشور باید هر چه بیشتر با قواعد جهانی حمایت از کودکان هماهنگ و منطبق شود. در عین حال باید به اجرای درست و دقیق این قوانین اهتمام ورزید. در نظر گرفتن فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها در جوامع مختلف و هماهنگی با آن‌ها، می‌تواند تضمینی برای اجرای دقیق قوانین مرتبط با کودکان باشد.

در سطح شهری، گسترش نهادهای اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به عنوان یک راهکار میان مدت در نظر گرفته شود. استفاده از تجربه‌های سایر کشورها و کلان شهرهای جهان در این زمینه می‌تواند بسیار مفید واقع شود. اصلاح وضعیت محله‌های شهری برای در دسترس بودن آن‌ها برای کودکان،. ایجاد فرهنگسراهای ویژه کودکان، پارک‌ها و کتابخانه‌های محلی و مانند آن‌ها نیز می‌تواند از برنامه‌های نهادهای مسئول در شهر برای رفع نیازها و کمبودهای کودکان در کلان شهرهای ایران باشد. در سال‌های اخیر در برخی شهرها، البته در سطحی محدود، فعالیت‌هایی در این زمینه دیده می‌شود. به عنوان مثال خانه کودک و نوجوان در اصفهان و یا کتابخانه کودک و نوجوان در پارک لاله تهران (که زیر نظر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فعالیت می‌کند).

به نظر می‌رسد تا زمانی که ذهنیت غالب مدیران و برنامه ریزان شهری متوجه اهمیت فوق العاده نیازهای روحی و فکری کودکان نباشد، نمی‌توان به آینده بهتری برای کودکان در برنامه‌های ملی و شهری امیدوار بود. گام نخست برای حل مشکلات موجود، توجه دادن برنامه ریزان به این امر مهم می‌باشد.

**منابع فارسی**

۱. ایزدپناه جهرمی، آیدا؛ کودک، بازی و شهر (فرایند، اصول و معیارهای برنامه ریزی و طراحی فضای بازی کودکان، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، ۱۳۸۳

۲. پارسا، محمد؛ روان شناسی رشد کودک و نوجوان، ۱۳۷۶

۳. دریسکل، دیوید، با همکاری اعضای پروژه رشد یافتن در شهرها؛ ترجمه توکلی، مهرنوش و سعیدی رضوانی، نوید؛ ایجاد شهرهای بهتر با کودکان و جوانان (راهنمایی برای مشارکت و پژوهش مشارکتی)

۴. شعاری نژاد، علی اکبر؛ روان شناسی عمومی، ۱۳۷۱

۵. شهرداری‌ها، شماره ۶۹، بهمن ۱۳۸۳

۶. شیعه، اسماعیل؛ آماده سازی شهر برای کودکان، موسسه نشر شهر، ۱۳۸۵

۷. قنبریان، منیر؛ کودک و شهرنشینی؛ انتشارات سازمان شهرداری‌ها، چاپ ۱